

# دروغ هزاره‌ها؛ حکومت جهانی بنی اسرائیل

اسماعیل ششپی سرورستانی



هزار ساله که سخت مورد توجه این مبلغان افراطی بود، دست مایه اصلی فیلم‌سازان هالیوودی قرار گرفت.

حسب همین آگاهی و تعداد آثار است که بارها اعلام شده که سینمای غرب «آرایش آخرالزمانی» گرفته است.

نباید فراموش کرد که هالیوود، تأمین ۷۸ درصد از تولیدات سینمایی مورد نیاز جهان را عهده‌دار است.

بد نیست که عرض کنم، طبق آمار ۲۰۰۷ میلادی، تعداد ۳۸۹۷۰ سالن سینما در ایالت متحده آمریکا فعال بوده و از یک میلیارد و چهارصد میلیون تماشاگر پذیرایی کرده است. این آمار پرده از نقش مهم و جریان‌ساز سینما بر مردم و همسوسازی آنان با خاستگاه اصلی کمپانی‌های هالیوود که عمدتاً بنی اسرائیلی هستند، برمی‌دارد.

برای مقایسه باید دانست که در حال حاضر از مجموع ۴۲۷ سالن موجود در ایران، تنها ۲۱۲ سالن فعال بوده و طبق آمار سال ۲۰۰۶ میلادی، این سالن‌ها سالانه پذیرای تنها یازده و نیم میلیون نفر تماشاگر سینما بوده‌اند. باید

اگرچه موضوع «آپوکالیپس» و آخرالزمان، در تاریخ سینمای غرب و هالیوود به عنوان مضمونی جذاب و پرکشش شناخته شده است، اما بروز بسیاری از بحران‌های طبیعی، اقتصادی و ... طی سه، چهار دهه اخیر، این موضوع و همه آنچه که قبل از ظهور منجی موعود بشر را تهدید می‌کند، تبدیل به سوژه ثابت و تقریباً شاه بیت قصیده بلند سینمای رؤیاساز هالیوود شده است؛ به گونه‌ای که طی این سال‌ها هر از چند ماه، تماشاگران سینما شاهد نسخه‌های جدیدی از این فیلم‌ها بوده‌اند.

برخی اطلاعات حاکی از آن است که در دهه نود میلادی، قریب به شصت درصد از پرفروش‌ترین آثار هالیوود با موضوع و محتوای آخرالزمان ساخته شده است.

با اوج‌گیری فعالیت‌های بنیادگرایان انجیلی در ایالات متحده آمریکا و به ویژه سال‌های نزدیک به هزاره جدید، موضوع بلایای طبیعی، ظهور مسیح و تأسیس حکومت

موضوع «زمان قطعی وقوع حادثه» همواره برایشان مهم و حیاتی جلوه کند، سؤالی که بنیادگرایان بنی اسرائیلی و پس از آن سینما، آن را پاسخ گفته است: ۱۹۶۶، ۱۹۹۹، ۲۰۰۷ و بالأخره ۲۰۱۲ میلادی، سال‌های اعلام شده، گذشته و آینده‌اند. حسب این توقیت مزورانه و به بهانه بازدارندگی یا کنترل وقایع موخس پیش‌بینی شده، طی همه سال‌های گذشته، مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و سیاست‌ها از سوی مردان سیاسی، اقتصادی و نظامی غربی علیه ساکنان شرق اسلامی اعمال شده است.

تهدید مستمر ایران اسلامی، اشغال عراق و افغانستان، حضور در یمن، حمایت از افراطی‌های سلفی وهابی و... نمونه‌های بارز این سیاست‌های بنی اسرائیلی است که اعضای این مثلث، طی سی سال اخیر بدان مبادرت ورزیده‌اند.

کارگردان فیلم سینمایی ۲۰۱۲، آقای رونالد آمریخ آلمانی تبار که آخرین اثرش در بیش از ۳۵ هزار سینما به نمایش درآمد و میلیون‌ها دلار را به جیب او سرازیر ساخت، در پاسخ به سؤال درباره وقایع ویران‌سازی جهان در فیلم ۲۰۱۲ و عظمت وقایع به نمایش درآمده در فیلم می‌گوید:

«وقتی شما بخواهید یک دروغ، واقعی و رئالیستی به نظر برسد باید سخت کار و تلاش کنید» و ادامه می‌دهد: «تماشاچی نباید اصلاً احساس کند که دارد یک فیلم تماشا می‌کند.» شاید بتوان این دو عبارت را خلاصه استراتژی پنهان» سران فراماسوزی جهانی دانست. همانان که در پرده هدایت‌گر بنیادگران و سینماگرانند: «واقعی جلوه دادن یک دروغ» و «فرب مردم تا آن را عین واقع بشناسند.»

«تلاش سخت» برای اجرای آن استراتژی و دستیابی به همه مقاصد، تنها در این شرایط است که وقتی در عالم واقعی، طرحی درافکننده می‌شود



کارگردان فیلم سینمایی ۲۰۱۲، آقای رونالد آمریخ می‌گوید: «وقتی شما بخواهید یک دروغ، واقعی و رئالیستی به نظر برسد

باید سخت کار و تلاش کنید» و ادامه می‌دهد: «تماشاچی نباید اصلاً احساس کند که دارد یک فیلم تماشا می‌کند.» شاید بتوان این دو عبارت را خلاصه استراتژی پنهان» سران فراماسوزی جهانی دانست. همانان که در پرده هدایت‌گر بنیادگران و سینماگرانند: «واقعی جلوه دادن یک دروغ» و «فرب مردم تا آن را عین واقع بشناسند.»

اضافه نمود که در سال ۱۳۸۸، حسب اطلاعات مندرج در سایت‌های سینمایی کشور و بنیاد فارابی، از مجموع آثار سینمایی در حال ساخت و ساخته شده سال ۱۳۸۸، ۴۳ درصد آنها حاوی مضمون و محتوای کم‌دی بوده‌اند و پس از آن، مضامینی ملسودرام و خانوادگی - بخوانید سوژه تکراری خواستگاری و دعوای خانوادگی - با ۲۶ تا ۳۵ درصد، بالاترین جایگاه را به خود اختصاص داده‌اند. بگذریم!

هم افقی مبلغان انجیلی، سینمای هالیوود و مردان صاحب نام سیاسی (از دهه هفتاد میلادی به بعد) در گفت‌وگو از آخرالزمان و قریب الوقوع شناختن واقعه ظهور دوم حضرت مسیح(ع)، مثلثی را فراروی ما قرار می‌دهد که به مدد آن می‌توان بسیاری از وقایع جهانی و حوادث رفته بر ایران اسلامی را - در وقت مواجهه با غرب استکباری - شناسایی و تحلیل نمود.

همین مبلغان ساکن کمر بند جنوبی ایالات متحده با پشت سر گذاشتن فاز فرهنگی و ورود به عرصه سیاست، رئیس جمهوری منتخب خود یعنی آقای رونالد ریگان را به کاخ سفید فرستادند.

از همین روست که عرض می‌کنم، نه تنها کاخ سفید از سوگیری‌های انجیلی‌های افراطی و بنی اسرائیلی و هالیوود دور و در امان نبوده، بلکه هم‌سو با آنان استراتژی و سیاست کلی واحدی را دنبال نموده است، چنان که گفت‌وگو از:

- خطر و واقعه‌ای مهلک و تهدید کننده امنیت جهانی و به ویژه غرب؛
- برخاستن این واقعه تهدید کننده از سوی شرق اسلامی؛
- قریب الوقوع بودن ظهور منجی موعود و تأسیس حکومت هزار ساله و جهانی،

مضمون مشترک هر یک از اضلاع سه گانه مثلث مورد نظر را تشکیل داده است.

نکته جالب توجه آنکه هر سه ضلع (بنیادگرایان بنی اسرائیلی، سینمای بنی اسرائیلی هالیوود و مردان سیاسی خدمت‌گزار بنی اسرائیل) در محتوم بودن حکومت هزار ساله تحت مشیت و تقدیر الهی

آنهم با پایتختی بیت المقدس متفق القول بوده بر آن پای می‌فشارند؛ به گونه‌ای که مخاطبان مبلغان انجیلی، آثار سینمایی و مردان سیاسی آمریکایی، بی‌آنکه قادر به عکس‌العمل یا نقد منطقی باشند، خود را مسلوب الاراده در خدمت این مثلث رؤیاساز قرار داده، حتی خیر و صلاح بشر را هم در همراهی با اراده اعضای این مثلث می‌شناسند.

رؤیاسازی این مثلث با جلوداری هالیوود در میان ساکنان ایالات متحده آمریکا که همه چیز را در آینه سینما و تلویزیون می‌بینند و بی‌تفکر و تأمل، دل به همه آنچه که به آنها القاء می‌شود می‌سپارند، باعث بوده تا

اسماعیل بر خواهد خواست، به جای تبعیت و گردن گزاردن به حکم خدا، بنا را بر تحریف و توطئه گذاشتند. مسیح(ع) را به دست رومیان سپردند، ایشان را دروغزن و خود را منتظر مسیح یهودی اعلام کردند که در آخرالزمان از نسل اسرائیل بر خواهد خواست تا مؤسس حکومت جهانی بنی اسرائیل شود. محمد بن عبدالله(ع)، پیامبر آخرالزمان را منکر شدند، فرزندان را به شهادت رساندند تا شاید نسل بنی اسماعیل منقرض و شانس تأسیس حکومت به بنی اسرائیل برسد و چنان از طرق مختلف «تحریف و تهدید» بر این دروغ اصرار ورزیدند که حتی برخی مسلمانان ساده‌دل هم گمان بردند در واقعه شریف ظهور، حضرت عیسی(ع) نزول اجلال نموده و صاحب رکنی از حکومت جهانی اسلامی که به پیامبر آخرالزمان وعده داده شده بود، خواهد شد.

در حالی که ایشان، یعنی حضرت عیسی(ع)، تنها به منظور تصدیق امام زمان(ع) از نسل اسماعیل خواهد آمد و پس از آن به اذن خداوند رحلت و در زمین مدفون خواهد شد و موضوع تأسیس حکومت جهانی و ایجاد عدالت و ایفای نقش مصلح کل، به تمامی مخصوص به مهدی موعود(ع) است و در این واقعه سهمی جز تبعیت و فرمانبرداری برای بنی اسرائیل نیست.

با این دروغ، بنی اسرائیل سعی نمود تا بنی اسرائیل را «وارث» معرفی کند.

پای فشاری انجیلی‌ها بر برخی آیات محرّف انجیل و تورات این شبهه را باعث شده که اینان مذهبی، مؤید عالم معنوی و کتب آسمانی و در زمره منتظرانند که برای واقع شدن ظهور بال بال می‌زنند. به همان سان که در کلیساهای تلویزیونی به نمایش می‌گذارند.

عموم بر و بچه‌های مذهبی این تصوّر غلط را از مسیحیان بنیادگرای وابسته به کلیساهای پروتستانی آمریکایی و انگلیسی دارند.

اگر چنین ظنی درباره اعضای مثلث (بنیادگرایان بنی اسرائیلی، سینماگران بنی اسرائیلی و مردان سیاسی خدمتگزار بنی اسرائیلی) می‌رفت، نشانه‌هایی از رویکرد به اخلاق، معاندنیشی و رحم و شفقت درباره بندگان خدا در آنها قابل شناسایی بود.

چه کسی می‌تواند ظلم و ستم غیرقابل بخشش مردان سیاسی کاخ سفید را انکار کند؟ واپسین این اهتمام برای «تشبیه بزرگ‌ترین دروغ تاریخ از طریق رسانه‌های مدرن»، موضوع «فریب مردم» و رهزنی عقل آنان خود را می‌نماید. همه تحریف‌های صورت بسته در تاریخ دراز بنی اسرائیل، جملگی مصروف جایگزین ساختن «مسیح و دجال و دروغزن» به جای «مسیح موعود» بوده است.

این عمل، همان عمل شریک‌انگیز بنی اسرائیل است. به ویژه در این سال‌ها که احساس می‌شود فرصت‌ها رو به کوتاهی گذارده و احتمال می‌رود خورشید «موعود مقدس» از آسمان شرق اسلامی طلوع کند، همه قوای

بال به بال این دروغ، دروغ «تأسیس حکومت جهانی بنی اسرائیلی» است که گویا در میان دریایی از خون و در فضایی آرمگدونی رخ می‌نماید. این دومی را بنی اسرائیل، واپسین کین و حسدی که درباره بنی اسماعیل پیدا کرد، از طرق مختلف به خلق عالم القاء و حُقنه ساخته است.



و میلیون‌ها انسان بی‌گناه کشته می‌شوند، هیچ کسی انگشت اتهام به سوی عوامل اصلی پشت پرده در مقاصد اصلی آنها دراز نمی‌کند.

جناب رونالد آمریخ، پیش از فیلم ۲۰۱۲، فیلم «روز استقلال» را ساخته بود. اثری که ویرانی دنیا را در چهارم جولای، هم‌زمان با سالروز استقلال ایالات متحده آمریکا نشان می‌داد. اولین موضوع مورد اشاره رونالد آمریخ، تلاش برای واقعی جلوه دادن «دروغ بزرگ» است.

این عبارت شنونده را به یاد جمله معروف وزیر تبلیغات هیتلر یعنی آقای «گوبلز» می‌اندازد. گوبلز گفته بود: «دروغ هر چه بزرگ‌تر باشد، مردم بیشتر باور می‌کنند»

...

ویرانی دنیا در آخرالزمان و در اثر سلسله‌ای از وقایع طبیعی مثل زلزله، سونامی و ذوب شدن یخ‌های قطبی. محور عمومی همه آثار اکشن آپوکالیپس سینمایی هالیوود همین دروغ است، که قرار شده همه مردم و به ویژه ساکنان غرب آن را باور بیاورند و برای مقابله با آن مهیا شوند.

بال به بال این دروغ، دروغ «تأسیس حکومت جهانی بنی اسرائیلی» است که گویا در میان دریایی از خون و در فضایی آرمگدونی رخ می‌نماید. این دومی را بنی اسرائیل، واپسین کین و حسدی که درباره بنی اسماعیل پیدا کرد، از طرق مختلف به خلق عالم القاء و حُقنه ساخته است.

آن زمان که حسب طراحی الهی، آنان دریافتند که دین جهانی اسلام و مؤسس حکومت جهانی از میان خانواده پیامبر آخرالزمان، حضرت مهدی(ع) و از بین نوادگان

خود را مصروف:

- انهدام قوای مسلمانان و بازماندگان بنی‌اسماعیل؛  
- انعدام سرزمین آنها؛

- درگیر ساختن مسلمانان در درگیری‌های بزرگ به ظاهر آخرالزمانی (چنانکه سینمای هالیوود آن را به نمایش می‌گذارد) و:

- بالأخره تأسیس حکومت جهانی بنی‌اسرائیل بر ویرانه‌های شرق اسلامی شده است.

این همه را مقدمه ساختن تا پرده از مفاهیم و مقاصد نهفته در پشت پرده مجازی سینمای آخرالزمانی برداشته شود.

اشاره‌ای کوتاه درباره دو فیلم متأخر؛ فیلم ۲۰۱۲ و پیش از آن «باهوش» (Knowing)، دو اثر قابل تأمل در میان آثار سال‌های گذشته هالیوودند. شایان ذکر است با عنوان ۲۰۱۲ چند فیلم سینمایی و مستند ساخته شده و به نمایش درآمده است.

این فیلم محصول ۲۰۰۹ در آمریکا ساخته شده بود. شروع ماجرای فیلم به سال ۱۹۵۸ برمی‌گردد. طی مراسمی گروهی از دانش‌آموزان آرزوها و درخواست‌هایشان درباره آینده را در یک کیسول زمان قرار داده و در زمینی مخفی می‌کنند تا پنجاه سال بعد در معرض تماشا و مطالعه آیندگان قرار داده شود. در میان آثار، دختری مرموز بر گه‌ای را به کیسول زمان سپرده که تنها از اعداد و ارقام پوشیده شده است. بعد از پنجاه سال پرفسور کستلر با مطالعه این برگه پی به وقایعی وحشتناک می‌برد که اتفاق افتاده و درمی‌یابد که در آینده نیز حوادث بزرگ‌تری جهان و بشر را تهدید خواهد کرد، تلاش او برای متوقف کردن حوادث پی‌در پی به جایی نمی‌رسد. گوئی نوعی آگاهی، هوش یا الهام اخبار آینده را به آن دختر القاء کرده است.

با شروع آخرین وقایع که مربوط به آخرالزمان است؛ در حالی که زمین و ساکنانش در حال نابودی‌اند، سفینه‌هایی نورانی برگزیده‌ای از زنان و مردان را با خود به آسمان می‌برند. در میان آنها، دختر و پسری یهودی‌اند که به آسمان صعود می‌کنند. (و پایان فیلم، این دو در دشتی بهشتی و جادویی به سوی درختی ویژه حرکت می‌کنند. در واقع آنان، نمایندگان برگزیده بشری هستند که پس از بحران‌های بزرگ آخرالزمان، بهشت موعود را که همان حکومت هزارساله بنی‌اسرائیلی است، تأسیس خواهند ساخت. این اثر، برخاسته از آموزه‌های بنی‌اسرائیلی است.

فراخوش نکنیم که حسب تفاسیر روایی ائمه دین (ع)، درخت ممنوعه‌ای که حضرت آدم و حوا از نزدیک شدن بدان منع شده بودند، شجره طیبیه پیامبر آخرالزمان، مقام و منزلت ایشان و مأموریت ویژه آنها بوده است.

حکومت صالحان و میراث انبیاء و اوصیای عظام الهی، در تقدیر پیامبر آخرالزمان و اهل بیت مکرم ایشان (ع)

وارد شده بود. بنی‌اسرائیل در پی معلّم بزرگش، ابلیس لعین، دریافته بود که مأموریت تأسیس حکومت جهانی و انتشار دین جهانی بر دوش مردی از بنی‌اسماعیل، خلف صالح، وارث انبیاء و اوصیاء حضرت صاحب الزمان (ع) گذارده شده است. اما، این جریان، به جای گردن نهادن به حکم خداوندی، از روی حسد، طریق کین جویی را در پیش گرفت.

بی‌دلیل نیست که مسیحیت، پس از گذار از کارخانه تحریف پولس و در قرن شانزدهم مارتین لوتر معترض، در اثر رخنه یهود به فرقه‌ای پروتستانی تبدیل شد و مقامی در حدّ سگ پای سفره بنی‌اسرائیل را از آن مسیحیان ساخت. از همین طریق، بنیادگران انجیلی پروتستان، نه تنها خودشان بر آستان بنی‌اسرائیل سر سپردند، بلکه تمامی دستگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا و انگلیس را در کنار همه ساز و برگ رسانه‌ای و از جمله کمپانی‌های هالیوود در خدمت استراتژی و خواست اشراز یهود قرار داد.

با این گفت‌وگوی مطوّل، درک این خبر که از طریق فاکس نیوز اعلام شده، سخت نیست؛ آمده بود که: «۶۰ درصد مردم آمریکا معتقدند باید با ایران جنگید» در این نظرسنجی که بصورت تلفنی طی روزهای ۲۳ و ۲۴ فوریه؛ یعنی هفته قبل انجام شد، نصد نفر از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی، نظر خود را درباره موضع‌گیری علیه ایران ابراز داشتند.

۶۰ درصد از پرسش‌شوندگان گفته‌اند که دیپلماسی و استفاده از تحریم در برابر سیاست اتمی ایران کارایی ندارد و برای بازداشتن ایران از آنچه که دست‌یابی به صلاح اتمی خوانده‌اند، باید از ابزار نظامی استفاده کرد. نکته جالب توجه اینکه، ۷۵ درصد از شهروندان حامی گزینه به کارگیری ابزار نظامی علیه ایران، دارای گرایش جمهوری خواهانه بوده‌اند.

عموما جمهوری خواهان و اعضای جناح راست مسیحی برخاسته از کمر بند ایالات جنوبی آمریکا و متأثر از بنیادگرایان مسیحی هستند.

چه کسی می‌تواند ظلم و ستم غیرقابل بخشش مردان سیاسی کاخ سفید را انکار کند؟ واپسین این اهتمام برای «تثبیت بزرگ‌ترین دروغ تاریخ از طریق رسانه‌های مدرن»، موضوع «فریب مردم» و رهزنی عقل آنان خود را می‌نماید. همه تحریف‌های صورت بسته در تاریخ دراز بنی‌اسرائیل، جملگی مصروف جایگزین ساختن «مسیح و دجال و دروغ‌زن» به جای «مسیح موعود» بوده است.